

من از خدا خواستم ...

من از خدا خواستم که پایدی های مرا
بزداید

خدا گفت : نه

آنها برای این در تو نیستند که من آنها
را بزدایم. بلکه آنها برای این در تو
هستند که تو در برابرشان پایداری کنی

من از خدا خواستم که بدنم را کامل سازد

خدا گفت : نه

روح تو کامل است . بدن تو موقتی است

من از خدا خواستم به من شکیبائی دهد

خدا گفت : نه

شکبیائی بر اثر سختی ها به دست می آید.
شکبیائی دادنی نیست بلکه به دست آوردنی
است

من از خدا خواستم تا به من خوشبختی دهد

خدا گفت : نه

من به تو برکت می دهم
خوشبختی به خودت بستگی دارد

من از خدا خواستم تا از درد ها
آزادم سازد

خدا گفت : نه

درد و رنج تو را از این جهان دور
کرده و به من نزدیک تر می سازد

من از خدا خواستم تا روحم را رشد دهد

خدا گفت : نه

تو خودت باید رشد کنی ولی من تو را
می پیرایم تا میوه دهی

من از خدا خواستم به من چیزهائی دهد
تا از زندگی خوشم بیاید

خدا گفت : نه

من به تو زندگی می بخشم تا تو از
همه آن چیزها لذت ببری

من از خدا خواستم تا به من کمک کند تا
دیگران همان طور که او دوست دارد ،
دوست داشته باشم

خدا گفت : ... سرانجام مطلب را
گرفتی

اگر خدا را دوست داری ، این پیام را
برای ۱۰ تن از جمله کسی که آن را
برایت فرستاده ، بفرست . احساس
خوبی به تو دست خواهد داد

امروز روز تو خواهد بود
آن را هدر نده

باشد که خداوند تو را برکت دهد...

برای دنیا تو ممکن است فقط یک نفر

باشی ولی برای یک نفر، تو ممکن

است به اندازه دنیا ارزش داشته باشی

داوری نکن تا داورى نشوى . آنچه را
رخ مى دهد درک کن و برکت خواهی
یافت